

دوفصلنامه‌ی پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب

دوره چهارم، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۱

## بررسی ساختار نحوی و بلاغی " لیت " در قرآن کریم

✽ مهدیه جعفری ندوشن<sup>۱</sup>

### چکیده:

"لیت" از حروف مشبیه بالفعل است که بر سر جمله‌ی اسمیه وارد شده، اسم را منصوب و خبر را مرفوع می‌نماید و اصلی‌ترین و رایج‌ترین کاربرد آن برای تمنی است. تمنی آرزویی است که دست‌یابی به آن محال، یا دور از انتظار است لذا معانی "لیت" کاش و ای کاش است. در قرآن کریم ۱۴ مرتبه واژه‌ی "لیت" استعمال شده است، پژوهش حاضر با شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی بر آن است تا به بررسی آیات حاوی "لیت" از نظر ساختاری و معنای بلاغی آن از دید مفسران و نحویان پردازد و علت بیان "لیت" و ای کاش‌های قرآنی و گویندگان و زمان بیان آن را نیز بررسی کند. برآیند این پژوهش نشان می‌دهد که در هر ۱۴ مورد "لیت" در معنای اصلی یعنی تمنی (غیرممکن یا دور از انتظار) به کار رفته است و غرض بلاغی آن در اکثر موارد اظهار حسرت و ندامت از کاری است که زمان آن پایان یافته است و اغلب آن‌ها نیز در آخرت و از زبان کسانی جاری می‌شود که از قوانین الهی سرباز زده و هوی و هوس و آرزوهای شخصی و غریزی خود را دنبال کرده‌اند و از نظر ساختار نیز غالباً به صورت یا+ لیت + ضمیر بارز منصوبی + جمله‌ی فعلیه با فعل ماضی بیان شده است.

**کلمات کلیدی:** تمنی، ساختار نحوی، ساختار بلاغی، قرآن کریم، لیت

<sup>۱</sup> دکترای تخصصی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس فاطمه الزهرا، یزد، ایران، mahdiejafari59@gmail.com

تاریخ درخواست ۱۴۰۱/۱۱/۰۸ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۱۲/۱۲

**۱- مقدمه:**

قرآن کریم کتابی است که بافت تاروپود آن بی‌نظیر است و به صورت یک‌رشته منظم در همه زمینه‌ها اعم از حروف، کلمات و آیات، در ساخت و نظم موزونش، در ترکیب کلمات و سبک گفتارش، در مطالب و حقایقش همه معجزه است. یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن کریم اعجاز ادبی و بلاغی آن است که باعث شد تمامی ادبا و شعرای طراز اول عرب در مقابل آن تسلیم شوند و به غیر بشری بودن آن اعتراف کنند زیرا ساختار بیانی قرآن بسیار متعالی است و فنون ادبی و بلاغی ظریف و ساختاری مستحکم در آن به کاررفته است به طوری که هر باریک‌اندیشی را به وجد می‌آورد. اتقان ادبی آن تا جایی است که هر واژه، بلکه هر زیرویمی در آن از حساب ویژه‌ای برخوردار است و هر واژه‌ای از آن سرفصل نوینی برای معارف الهی است. در این میان واژه "لیت" که از حروف تمنی بوده و در اسلوب انشای طلبی استفاده می‌شود یکی از واژه‌هایی است که ۱۴ مرتبه در قرآن کریم به کاررفته است و خداوند در این آیات بیان نموده است که چه در دنیا و چه در آخرت انسان‌هایی هستند که افسوس کارهای کرده و نکرده خود را می‌خورند و لب به ای کاش "یا لیت" می‌کشایند. آری با توجه به اینکه انسان موجودی قدرت‌طلب است و در راه کسب مقامات و پُست‌های مهم گام برمی‌دارد، در برابر نقص‌های خود تأسف می‌خورد و در برابر اشتباهات و اعمال غیرانسانی خود احساس شرمندگی می‌نماید. لذا پیوسته و مدام آرزو می‌کند که ای کاش فلان عمل را انجام نمی‌دادم تا به این روز ننگ دچار نمی‌شدم یا اینکه فلان عمل را انجام می‌دادم تا به فلان نتیجه مطلوب می‌رسیدم.

در این پژوهش تلاش شده است ضمن شرح آیات حاوی "لیت" و تبیین ساختاری و معنایی "لیت" در قرآن کریم به سؤالات زیر نیز پاسخ داده شود.

۱- "لیت" در قرآن از زبان چه کسانی و در چه زمانی بیان می‌شود؟ ۲- کلام دارای "لیت" در قرآن چه معنایی را افاده می‌کند؟ ۳- ساختار آیات دارای "لیت" در قرآن به چه صورت است؟ ۴- اغراض بلاغی لیت در قرآن چیست؟

**۲- پیشینه‌ی تحقیق**

با توجه به بررسی‌های انجام شده، تحقیقی پیرامون ساختار و بلاغت "لیت" در قرآن به شکل خاص صورت نگرفته است و کتاب‌های بلاغی و نحوی از جمله مغنی اللیب از ابن هشام انصاری، همع الهوامع از سیوطی، الجنی الدانی عن حروف المعانی از ابن قاسم المرادی، اعراب القرآن و بیانه از محی‌الدین درویش و... و کتاب‌های تفسیر قرآن به بررسی "لیت" به صورت پراکنده پرداخته‌اند. مقالات زیادی نیز در مورد تمنی در قرآن نگاشته شده است از جمله: مقاله «گذری بر معنی‌شناسی اسلوب تمنی در قرآن کریم» از مرضیه کهندل جهرمی و محمود آبدانان که به بیان معانی بلاغی برخی از آیاتی که در آن‌ها حروف تمنی یعنی لیت، لعل، هل و لو به کاررفته، پرداخته است. همچنین مقاله «واکاوی حرف تمنی» لیت در قرآن کریم از منظر مربع معناشناسی و زیبایی‌شناسی گفتمان» از معصومه پویا و فرهاد دیو سالار که در آن آیات حاوی "لیت" را از منظر مربع معناشناسی گریماس و نیز جنبه زیبایی‌شناسی عاطفی بررسی نموده است. همچنین مقاله «الأفعال الکلامیة التبعیة فی الخطاب القرآنی (لیت من أسلوب التمنی نموذجاً)» از زهرا آقاجانی و انسیه خزعلی. ولی هیچ کدام به ساختار نحوی و بلاغی "لیت" در قرآن نپرداخته‌اند و این پژوهش بر آن است تا با بهره‌گیری از منابع موجود زیبایی‌های بلاغی و ساختاری "لیت" در قرآن کریم را بیان نماید.

### ۳- احکام نحوی و بلاغی "لیت"

"لیت" حرف مشبیه بالفعل از جمله نواسخی است که اسم را نصب و خبر را رفع می‌دهد ولی "لیت" از جهات زیر با سایر حروف مشبیه بالفعل متفاوت است:

۱- "لیت" هنگامی که بر "أن" و اسم و خبرش وارد شود بی‌نیاز از اسم و خبر است زیرا مصدر موصول جانشین اسم و خبر "لیت" می‌شود مثل: «لیت أن الصحّة دائمة» که مصدر مؤول أن الصحّة دائمة» سدّ مسدّ اسم و خبر "لیت" است و کلام با آن تمام می‌شود. (ابن هشام، ۱۴۱۰، ۱: ۲۲۳)

۲- غالباً «سوف» بر خبر "لیت" وارد نمی‌شود زیرا «سوف» بر چیزی وارد می‌شود که تحقق آن ممکن است و این با چیزی که "لیت" افاده‌ی آن می‌کند (امر غیرممکن) متناقض است. حرف "فاء" نیز بر خبرش وارد نمی‌شود. (حسن، ۲۰۰۷، م: ۵۱۷)

۳- خبر "لیت" به صورت اسم نمی‌آید بلکه خبر آن به صورت جمله فعلیه، جمله‌ی اسمیه و شبه جمله به کار برده می‌شود (ابن هشام، ۱۴۱۰، ۱: ۳۱۶؛ زرکشی، ۱۳۷۶، ق: ۴، ۳۹۴)

۴- هرگاه پس از "لیت" حرف "ما" قرار گیرد به اسم اختصاص دارد پس گفته نمی‌شود: «لیتما قام زید» در این حالت به علت اختصاص آن به اسم جایز است که عمل کند و یا به علت هماهنگی با سایر حروف همسانش عمل نکند. (ابن هشام، ۱۴۱۰، ۱: ۳۷۶) معنای اصلی و رایج "لیت" تمنّی است هرچند گاهی به معنای ترجّی نیز استعمال می‌شود. تمنّی از فعل جامد «منی» گرفته شده و به معنای آرزوی حصول امری مرغوب و محبوب است که در مورد ممکن و غیرممکن به کار می‌رود. (ابن منظور، بی‌تا: ۳۶) تمنّی نزد علماء بلاغت نیز طلب امری است که محبوب متکلم باشد. ولی امکان تحقق امر مورد تمنّی شرط نیست، چه بسا انسان چیز محال و دست‌نیافتنی را دوست دارد و طلب می‌کند. پس تمنّی، یا طلب امری محال و غیرممکن است مثل: «لیت الشباب یعود یوماً» کاش روزی جوانی بازمی‌گشت که هرگز بر نمی‌گردد. یا طلب امری ممکن است مثل: «لیت زیداً یجیء» اما در تمنّی ممکن، واجب است که متکلم توقع و طمعی به حصول امر محبوب نداشته باشد. در غیر این صورت معنی ترجّی می‌دهد (تفتازانی، ۱۴۰۷، ق: ۲۲۵) پس در تمنّی متکلم امید و توقعی به حصول امر محبوب ندارد مثل: «یا لیت لنا مثل ما أوتی قارون» (قصص/ ۷۹) ولی اگر امر مورد تمنّی ممکن بوده و توقع و طمعی در حصول آن وجود داشته باشد معنی ترجّی می‌دهد و استعمال لیت برای آن صحیح نیست بلکه در حالت طمع "عسی" و در حالت توقع باید "لعل" آورده شود. چرا که فرق بین تمنّی و ترجّی این است که در ترجّی برخلاف تمنّی امکان و توقع حصول امر مطلوب وجود دارد. (فاضلی، ۱۳۷۶: ۱۱۱) سیوطی آورده است که برخی اشکال کرده‌اند چیزی که به دست آوردنش ممکن نباشد چگونه درخواست می‌شود؟ فخر رازی می‌گوید: بهتر آن است که تمنّی، ترجّی و قسم را از اقسام طلب بشماریم، زیرا طلبی در آن نیست بلکه تنبیه و آگاهی بر مطلب و مراد است اما می‌توان آن را انشاء نامید. (سیوطی، ۱۹۹۶، م: ۲، ۲۲۱)

### ۴- ساختار "لیت" در قرآن کریم

واژه "لیت" ۱۴ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است و در همه موارد به نوعی بعد از مشتقات "قال" قرار گرفته است. که می‌توان گفت: "لیت" با اسم و خبرش حالت مقول قول دارد. علاوه بر آن در آیات مورد نظر واژه "لیت" مستقیماً پس از حرف ندای "یا" آمده است البته زیبایی و بلاغت کلام در آنجاست که "یا" در این آیات بر غیر نداء یعنی بر

تنبیه دلالت می‌کند چرا که هرگاه بعد از "یا" چیزی قرار گیرد که مجوز منادا بودن را ندارد مانند فعل در «أَلَا يَا اسْجُدُوا» یا حرف در «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ» و «يَا رَبَّ كَاسِيَةً فِي الدُّنْيَا عَارِيَةً فِي الْآخِرَةِ» یا دعا در «يَا لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْأَقْوَامِ كُلِّهِمْ» جایز است که "یا" فقط برای تنبیه باشد تا نیازی به حذف جمله کامل (فعل ادعوا و مفعول آن یعنی منادا) نباشد. البته ابن مالک در شرح التسهیل آورده است که اگر بعد از "یا" امر یا دعا مثل «أَلَا يَا اسْجُدُوا» و «يَا لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْأَقْوَامِ كُلِّهِمْ» قرار گیرد "یا" حرف ندا است و منادا محذوف و اگر بعد از آن "لیت" یا "رب" یا "حبذا" بیاید حرف "یا" فقط برای تنبیه و استفتاح است نه برای ندا (ابن مالک، ۳/۳۸۹) پس تلازم تنبیه و تمنی در این آیات نهایت ناامیدی، حسرت و درد و افسوس متکلم را منعکس می‌کند.

-از آیات مورد نظر در ۵ مورد اسم "لیت" ضمیر متکلم "یاء" و خبر آن جمله فعلیه با فعل ماضی است که این آیات عبارت‌اند از:

- ۱- (يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا) (نساء/ ۷۳) ۲- (قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا) (مریم/ ۲۳) ۳- (يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا) (فرقان/ ۲۷) ۴- (وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا) (نبا/ ۴۰) ۵- (يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي) (فجر/ ۲۴)

در سه مورد زیر نیز اسم "لیت" ضمیر متکلم "یاء" و خبر آن جمله‌ی فعلیه با فعل مضارع مجزوم به "لم" است که در معنا ماضی است:

- ۱- (وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا) (کهف/ ۴۲) ۲- (يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا) (فرقان/ ۲۸) ۳- (وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَةَ) (الحاقه/ ۲۵)
- در دو آیه زیر اسم "لیت" ضمیر "نا" است:

- ۱- (يَا لَيْتَنَّا نُرَدُّ وَلَا نَكْذِبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ) (انعام/ ۲۷) ۲- (يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَّا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ) (احزاب/ ۶۶)

در سه آیه زیر اسم "لیت" به صورت اسم ظاهر آمده است که در آیه‌ی اول خبر "لیت" فعل مضارع و در دو آیه‌ی دیگر خبر "لیت" به صورت شبه جمله بیان شده است:

- ۱- (يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ) (یس/ ۲۶) ۲- (يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ) (قصص/ ۷۹) ۳- (قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ) (زخرف/ ۳۸)
- در آیه بعد اسم "لیت" ضمیر غایب "هاء" است: - (يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ) (الحاقه/ ۲۷)

و اگر با دقت به آیات فوق بیندیشیم؛ می‌بینیم که "لیت" در دو جایگاه دنیا و آخرت و از زبان گروه‌های مختلف از جمله مؤمنان غیر مؤمنان مثل کافران و ظالمان و غافلان و ... بیان می‌شود که شرح آن‌ها در زیر آمده است.

## ۵- آرزوهای دنیوی

ای کاش‌های قرآنی که در دنیا از زبان گروه‌های مختلف بیان می‌شود عبارت‌اند از:

## ۱-۵- آرزوی منافقان

(وَلَكِنَّ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لِيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُن بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا) (نساء/۷۳) «اگر غنیمتی از خدا به شما برسد چنان که گویی میان شما و میان او رابطه‌ی دوستی نبوده خواهد گفت: کاش من با آنان بودم و به نوای بزرگی می‌رسیدم.» (فولادوند، ۱۴۱۵ ق، ۱: ۸۹)

عبارت "یا لیتنی کنتُ معهم" تمنا و آرزوی محالی است که از زبان افراد منافق و ضعیف‌الایمان در دنیا (هنگامی که فضل و عنایتی از جانب خداوند به مؤمنین برسد) جاری می‌شود و افاده‌ی معنای حسرت و ندامت دارد. یعنی آنان با حسرت و ندامت گویند: کاش ما نیز با مؤمنان بودیم. معیار این دسته از مردم که حسرتشان را با "یا لیتنی" بیان می‌کنند فقط غنائم و مادیات دنیا است. هدف این گروه جز رسیدن به آرزوهای خود چیز دیگری نیست و چنین پندارند که غرض از جنگ با کفار به دست آوردن مال و غنیمت است و آن را رستگاری در جنگ می‌پندارند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۴: ۴۱۸؛ حسینی-همدانی، ۱۴۰۴ ق، ۴: ۱۱۷) لذا این آیه حالت درونی فرد منافق را بیان می‌کند و حسرت و ندامت او را بر فرصتی که از دستش رفته است نشان می‌دهد، علت و منشأ بیان "یا لیتنی" در این آیه حسادت، مال دوستی و گم شدن در ثروت، آرزوهای بلند دنیوی و کم‌ارادگی در جهاد است.

در آیه فوق "لیت" پس از حرف ندا واقع شده و اسم آن ضمیر بارز "یاء" و خبر آن جمله‌ی فعلیه با فعل ماضی (در معنی ماضی) است لذا ساختار آن‌ها به شکل: یا+لیت+اسم لیت (ضمیر بارز)+جمله‌ی فعلیه با فعل ماضی است. در این آیه اسم "لیت" ضمیر متکلم "یاء" است که به ذات متکلم توجه دارد و وجود ضمیر (یاء) به عنوان اسم "لیت" بر نکته بلاغی زیبایی دلالت دارد چراکه این نداء برآمده از نفس انسان به طرف نفس خویش است و این جز در کلام خداوند دیده نمی‌شود. این ساختار به واکنش متکلم و حسرت او دلالت دارد زیرا او خودش را مورد ندا قرار می‌دهد و نفس خویش را سرزنش کرده و به شدت مورد عتاب قرار می‌دهد و امر ناممکن و دست نیافتنی را طلب می‌کند. تعبیر «یا لیتنی» ندامت و پشیمانی بیشتری را نسبت به تعبیر «یا لیت نفسی» می‌رساند. همچنین انسجام صوتی بین «یا» ندا در اول عبارت و «یاء» متکلم در آخر آن به دلیل مد در «یا» و سکون در «یاء» متکلم قرار دارد که موسیقی زیبایی را در بردارد و دلالت معنایی بیشتری دارد.

## ۲-۵- آرزوی مؤمنان

(فَإِجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا نَسِيًّا) (مریم/۲۳) «آنگاه درد زاییدن او را به کنار درخت خرمایی کشانید (و از شدت حزن و اندوه با خود) گفت: ای کاش من پیش‌ازاین مرده بودم و از صفحه عالم به کلی فراموش شده بودم.» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰ ش، ۱: ۳۰۶)

عبارت "یا لیتنی متُّ قبلَ هذا" آرزو و تمنایی است دنیوی که از زبان مریم مقدس جاری شده است. ایشان از شدت درد فرزندی که در شکم داشت به زیر درخت خشکیده خرما پناه برد و مشکلات پیش رو و نگرانی از تهمت‌ها و زخم‌زبان‌های دیگران گویی کوهی از درد و غم را بر وجود ایشان می‌افکند از این رو ایشان به خاطر حیاء و ترس از آنچه اتفاق خواهد افتاد آرزو کرد: ای کاش من پیش‌ازاین مرده بودم و به کلی فراموش شده بودم. در این آیه شریفه از طریق تمنی، تصویری دقیق از احساسات و عواطف حضرت مریم به نمایش گذاشته شده است زیرا آرزوها از دروئیات انسان پرده برمی‌دارد درحالی که مریم دارای صبر و ایمان بود ولی شدت فتنه و فشار به گونه‌ای بود که چنین آرزو کند تا

آبروی خانواده‌اش حفظ شود لذا این آرزو و تمنا نه تنها مذموم نیست بلکه ممدوح است چراکه به درجه‌ای از تقدس رسیده که مرگ را بر بی‌آبرویی ترجیح می‌دهد. لذا این آرزو برخاسته از اوج نجابت، عفت و پاک‌دامنی او بود و به زنان مسلمان این درس را می‌آموزد که والاترین ارزش زنان حفظ عفت و حیا و پاک‌دامنی آن‌ها است. ساختار نحوی این آیه نیز مانند آیه قبل به شکل: یا+لیت+اسم لیت (ضمیر بارز)+جمله‌ی فعلیه با فعل ماضی است. در این آیه اسم "لیت" ضمیر متکلم "یا" است و شدت اندوه و نگرانی او را نشان می‌دهد چنانچه امر ناممکنی را طلب می‌کند.

### ۳-۵- آرزوی فریفتگان دنیا

( فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ) (قصص/۷۹)  
«قارون (روزی) با زیور و تجمل بسیار بر قومش در آمد، مردم دنیا طلب (که او را دیدند) گفتند: ای کاش همان قدر که به قارون از مال دنیا دادند به ما هم عطا می‌شد که او بهره بزرگ و حظ وافری را دارا است» (الهی قمش‌های، ۱۳۸۰ ش، ۱: ۳۹۵)

مراد از «الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» در آیه فوق کسانی است که زندگانی دنیا را هدف نهایی و یگانه غایت مساعی خود می‌دانند و غایتی دیگر ورای آن نمی‌بینند و خلاصه از آخرت غافل و جاهلند و نمی‌دانند که خدا در آخرت چه ثواب‌ها برای بندگان خود فراهم کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۶: ۷۹)

در این آیه «لیت» از زبان مردم کم ایمان و دنیاپرست و عاشق ثروت و قدرت در دنیا جاری می‌شود و مرتبط با آرزوهای دنیوی است. هرچند دست یافتن به ثروتی مانند ثروت قارون شاید امری ممکن باشد اما متکلم هیچ‌گونه طمع و توقعی در برآورده شدن آن ندارد لذا «لیت» در این آیه ممکن ولی دور از انتظار و بنا بر گفته بلاغیون تمنی ممکن بعید الوقوع است. ساختار نحوی آیه به شکل: یا+لیت+ خبر مقدم (شبه جمله)+اسم لیت است که تقدیم خبر از نظر بلاغی دلالت بر اختصاص دارد به طوری که ذهن را به مقدماتی که حق آن تأخیر است متوجه می‌سازد. شبه جمله «لنا» در این آیه با تقدیمش به حصر تمنی بر کسانی که زندگی و اموال دنیا را دوست دارند تأکید می‌کند چراکه ضمیر «نا» به آن‌ها بازمی‌گردد. شاید بتوان «لیت» را به صورت «چی می‌شد» ترجمه کرد یعنی: چی می‌شد اگر ما هم ثروتی مثل ثروت قارون داشتیم. در آیه بعد نیز «لیت» حسرت و افسوس و ندامت فرد مغرور و متکبر و دنیاپرستی را بیان می‌کند که مال و ثروت دنیا او را در غفلت قرار داده است. ( وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا ) (کهف/۴۲) «و ثمره و میوه‌هایش همه نابود گردید و او (از شدت حزن و اندوه) بر آنچه در باغ خرج کرده بود دست بر دست می‌زد که بنا و اشجارش همه ویران و خشک شده بود و می‌گفت: ای کاش من احدی را به خدای خود شریک نمی‌ساختم.» (الهی قمش‌های، ۱۳۸۰ ش، ۱: ۲۹۸)

این آیه از مجادله و مناظره مردی کافر که دارای دو تاکستان سبز و خرم بود با مرد مؤمن فقیری شروع می‌شود. مرد کافر بر آن مرد فقیر به خاطر قدرتش و فراوانی ثروتش افتخار می‌کرد و می‌گفت: من از نظر ثروت از تو برترم و آبرویم بیشتر و نفرا تم افزون تر است. (کهف/۷) شخص کافر وارد بوستان خود شد درحالی که به نفس خود مغرور بود و گفت: گمان نمی‌کنم که این بوستان هرگز از بین رود؛ اما عذاب الهی بر آن مرد نازل شد و میوه و درختان آن باغ همگی نابود شدند و آن کافر با تأسف و تحسر از هزینه‌ای که صرف کرده بود و اکنون نابود شده بود و از غایت حیرت و سرگردانی دست



بر پشت دست می‌زد و آرزو می‌کرد: ای کاش کسی را شریک پروردگارم نساخته بودم. (طبرسی، ۱۳۷۷، ش: ۲، ۳۶۵) گویا این شخص کافر و ثروتمند هنگامی که غرق در ناز و نعمت و ثروت بود نمی‌خواست یا نمی‌توانست دریابد که عاقبت مشرک بودن چیزی جز حسرت و ندامت نخواهد بود؛ اما اکنون که ثروت و قدرت خود را ازدست داده؛ از خواب غفلت بیدار شده و دریافته که این همه بدبختی و ندامت به علت کفر و شرک دامنگیرش شده‌است. لذا آرزوی بی‌جا و توبه نامقبول می‌کند. (نجفی خمینی، ۱۳۸۹، ق، ۱: ۳۰۰) عبارت "يَقْلَبُ كَفِيَه" کنایه از ندامت است، چون شخص نادم اکثر اوقات حالت درونی خود را با پشت‌ورو کردن دست‌ها مجسم می‌سازد، که این حرکت بازتابی از نهایت اندوه و حسرت آدمی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق: ۱۳: ۳۱۶)

"یا لیتنی لم أشرک برئی اهداً" تمنا و آرزویی است که از زبان شخص دنیاپرست مشرک جاری می‌شود و "لیت" در این آیه افاده معنای ندامت و پشیمانی دارد و "يَقْلَبُ كَفِيَه" قرینه‌ای است برای دریافتن معنی ندامت. (کهندل و آبدانان، ۱۳۹۲: ۱۰۹) غرض از این تمنا یعنی این ندامت و پشیمانی، یا توبه از کفر و دخول در ایمان است یا اینکه این ندامت به خاطر بقای مال دنیوی بوده است نه به قصد ایمان. (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ش: ۸: ۵۸؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ش: ۵: ۳۳۴) علت بیان "یا لیتنی" از سوی مرد کافر و ندامت و پشیمانی او: انکار حق، کفر، غرور، بی‌خردی و سرمستی او بود.

ساختار نحوی این آیه به شکل: یا+لیت+اسم لیت (ضمیر بارز)+جمله‌ی فعلیه با فعل مضارع مجزوم به لم (در معنا ماضی) است. در این آیه اسم "لیت" ضمیر متکلم "یا" است که به ذات متکلم توجه دارد. وجود ضمیر (یا) به‌عنوان اسم "لیت" بر نکته بلاغی زیبایی دلالت دارد چرا که این نداء برآمده از نفس انسان به طرف نفس خویش است. این ساختار به واکنش متکلم و حسرت او دلالت دارد زیرا او خودش را مورد ندا قرار می‌دهد و نفس خویش را سرزنش کرده و به شدت مورد عتاب قرار می‌دهد و امر ناممکن و دست‌نیافتنی را طلب می‌کند چرا که کار از کار گذشته و فقط جای افسوس و به قول قرآن دست‌گزیدن و دست‌روی دست‌زدن باقی مانده است.

## ۶- آرزوهای اخروی

### ۱-۶- آرزوی غافلان

(حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ) (زخرف/۳۸) «(و چنین سرگرم دنیا شود) تا وقتی که به سوی ما باز آید آن‌گاه با نهایت حسرت گوید: ای کاش میان من و تو (ای شیطان) فاصله‌ای به دوری مشرق و مغرب بود که تو بسیار همنشین و یار بدانندیشی بر من بودی» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰، ش: ۱: ۴۹۲)

اشخاصی که از حق تعالی و آیات الهی روگردانیده، در عوض شیاطین را دوست و قرین خود گرفته‌اند، زمانی که نزد ما حاضر می‌شوند؛ می‌بینند که ولی و قرینشان هم چنان با آن‌ها است. آن وقت از روی تأسف و پشیمانی گویند: ای کاش هرگز من با تو رفیق و دوست نگردیده بودم و بین من و تو فاصله بسیار دوری بود. (امین، ۱۳۶۱، ۱۳: ۲۶) همه عذاب‌ها یک‌طرف و همنشینی با این قرین سوء نیز یک‌طرف، هم‌نشینی که هر وقت به قیافه نفرت‌انگیز او می‌نگرد. تمام خاطره‌های گمراهی و بدبختی‌اش در نظرش مجسم می‌شود. کسی که زشتی‌ها را در نظرش زیبا جلوه می‌داد و گمراهی را هدایت، ای‌وای که او برای همیشه قرین و هم‌بند اوست. آری صحنه قیامت تجسمی است گسترده از صحنه‌های این جهان و قرین و دوست و رهبر اینجا با آنجا یکی است حتی به گفته بعضی از مفسران هر دو را با یک زنجیر می‌بندند.

(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ۲۱: ۶۶) عبارت "یا لیتَ بَیْنی وَبَیْنکَ بَعْدَ الْمَشْرِقَیْنِ" تمنا و آرزوی محالی است که از زبان انسان‌های غافل و دوستان شیطان در جهان آخرت جاری می‌شود؛ و افاده معنای حسرت و ندامت دارد. هرچند این حسرت و پشیمانی دیگر سودی ندارد و روز عمل گذشته است. علت بیان این "یا لیت" همراه و همنشین شدن با شیطان و شیطان صفتان است.

در آیه فوق خبر شبه جمله است و خبر بر اسم "لیت" مقدم شده است و از جهت بلاغی این امر بر اختصاص و اهتمام دلالت دارد. به نظر می‌رسد در این آیه "لیت" برای آرزوی محال و غیرممکن به کاررفته است، چراکه زمان انجام آن گذشته و فقط حسرت و پشیمانی باقی مانده است.

## ۲-۶- آرزوی کافران

(إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا) (نبا/۴۰)

«ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم روزی که آدمی آنچه را با دست خویش پیش فرستاده است بنگرد و کافر گوید: کاش من خاک بود.» (فولادوند، ۱۴۱۵ ق، ۱: ۵۸۳)

این آیه کفار و مشرکان مکه را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید: ما شما را از عذاب نزدیک روز قیامت می‌ترسانیم آن روز، مرد نگران عملی است که به‌جا آورده است و منتظر است جزاء یا کیفر اعمال خود را که پیش فرستاده ببیند و کافران در آن روز از شدت عذاب آرزو می‌کنند که ای کاش خاک بودند. (بروجردی، ۱۳۶۶ ش، ۷: ۳۲۸؛ گنابادی، ۱۴۰۸ ق، ۴: ۲۳۱)

مفسران در تفسیر این آیه آرای گوناگونی دارند. به نظر زجاج کافر آرزو می‌کند که ای کاش پس از مرگ دیگر بار زنده نمی‌شد. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۱۰: ۶۴۸) ولی زمخشری احتمال داده که آرزو می‌کند در دنیا خاک می‌بود و به‌صورت آدمی آفریده نمی‌شد. (۱۴۰۷ ق، ۴: ۶۹۲) یا لیتنی کُنتُ تراباً! تمنا و آرزوی محالی است که از زبان انسان کافر جاری می‌شود. انسانی که در دنیا در غفلت به سر برده و کفران نعمت نموده و به کیفر آن مورد حسرت و پشیمانی قرار گرفته و در سوز و گداز بوده و در قیامت می‌گوید: ای کاش خاک بودم و آفریده و مکلف نمی‌شدم. لذا "لیت" در این آیه نیز اخروی و به معنی ندامت و تحسّر آمده است. لذا سوره نبأ با بیان و انعکاس آه و حسرت و ناله آرزوی کافران به پایان می‌رسد. ساختار نحوی این آیه به شکل: یا+لیت+اسم لیت (ضمیر بارز)+جمله‌ی فعلیه با فعل مضارع معجزوم به لم (در معنا ماضی) است. در این آیه نیز اسم "لیت" ضمیر متکلم "یا" است که به ذات متکلم توجه دارد.

در آیه شریفه (وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذَّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَتَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ) (انعام/۲۷) نیز خداوند پیامبرش و امتش را مخاطب قرار می‌دهد تا صحنه‌ای از قیامت را ببیند و آنچه را که کافران تکذیب می‌کنند، برایشان از نزدیک به تصویر می‌کشد و جواب "لو" را حذف می‌کند تا کلام در ذهن شنونده به بهترین و کامل‌ترین شکل پرداخته شود، با آوردن "إذ" که دال بر گذشته است، تحقّقش را به‌یقین برساند. دران آیه هولناکی صحنه با آوردن فعل مجهول "وَقَفُوا" به زیبایی به تصویر کشیده می‌شود و کافرانی که در این شرایط به اوج ناامیدی رسیدند، فریاد برمی‌آورند: "یا لیتنا" که حکایت از تحسّر و ندامت دارد. در عبارت "یا لیتنا نُردُّ و لا نُکذَّبُ بِآیَاتِ رَبِّنَا و نکون من المؤمنین" برخی "نکذّب" و "نکون" را منصوب خوانده‌اند و برخی "نکون" را به نصب و "نکذّب" را به رفع و برخی هر دو را به رفع خوانده‌اند. قرائت رفع بنابراین است که عطف بر "نردُّ" یا به تقدیر "نحن" باشد و قرائت نصب بنابراین است



که این دو فعل داخل در تمنّی هستند و تمنّی حکم استفهام امرونی دارد و فعلی که بعد از این‌ها واقع شود خواه دارای "فاء" یا دارای "واو" باشد یا نباشد منصوب می‌شود. (طوسی، بی تا، ۴: ۱۰۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۸: ۵۶) جمله‌ی "یا لیتنا نردُّ و لا نکذِّب" جمله‌ی انشای طلبی است که تمنا و آرزوی بازگشت آن‌ها به دنیا آرزوی محال و غیرممکنی است که از جانب کافران و مشرکان در جهان آخرت جاری می‌شود ولی کار از کار گذشته و جهان آخرت بازگشتی ندارد. علت و منشأ این "یا لیت" تکذیب و افتراء بستن به آیات الهی و عدم تفکر در آیات الهی در زمان زندگی است. پس "یا لیتنا" در این آیه افاده معنای تحسر و ندامت و پشیمانی از اعمال را دارد.

آیه‌ی (يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ) (احزاب/۶۶) نیز عذاب دردناک کافران را در روز قیامت بیان می‌کند. روزی که صورت‌های آنان در آتش دوزخ دگرگون می‌شود. لذا فریاد حسرت‌بار کافران بلند می‌شود و می‌گویند: ای کاش ما خدا و پیامبرش را اطاعت کرده بودیم ولی این سخن را در سرای آخرت چه فایده، آن‌ها در آن هنگام که فرصت عمل داشتند؛ غفلت کردند. جمله "یا لیتنا أطعنا الله وأطعنا الرسول" سخنی است که کفار از باب حسرت و ندامت می‌زنند و آرزو می‌کنند: ای کاش خدا و رسول را اطاعت می‌کردند. پس "لیت" در این آیه نیز آرزو و تمنّای محالی است که زمان آن گذشته و دیگر امکان برآورده شدن آن وجود ندارد لذا "لیت" افاده معنای حسرت و ندامت می‌کند که از زبان کافران در روز قیامت جاری می‌شود.

### ۳-۶- آرزوی گناهکاران

(يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي) (فجر/۲۴) «(با حسرت و ندامت) گوید: ای کاش برای زندگی ابدی امروزم کار خیری انجام می‌دادم.» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۱، ۱: ۵۹۴)

در روز قیامت مجرمان و گناهکاران با کمال حسرت و پشیمانی خواهند گفت: ای کاش در دنیا برای این زندگی که زندگی آخرت است توشه‌ای فرستاده بودم. چون قرآن زندگی دنیا را لهو و بازی یعنی سرگرمی بیهوده خوانده و فرموده است "إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ" (عنکبوت/۶۴) و مراد از تقدیم (قدّمتم) از پیش فرستادن عمل صالح است برای زندگی آخرت و مضمون آیه آرزویی است که انسان در هنگام رسیدن قیامت و متذکر شدن از دیدن حقایق آن از خود سرمی‌دهد و به رأی العین می‌بیند که تلاشش در دنیا سودی به حالش نمی‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۲۰: ۲۸۵) لذا "یا لیتنی" در این آیه نیز آرزو و تمنّای محالی است که از زبان گناهکاران و کافران در روز قیامت جاری می‌شود و افاده معنای ندامت و تحسر دارد، زیرا انسان مغبون در روز قیامت با آه و حسرت می‌گوید: ای کاش برای زندگی آخرتم زاد و توشه‌ای ذخیره می‌کردم و به فکر آخرتم نیز بودم. ولی زمان گذشته و بازگشتی وجود ندارد تا آرزوی او ممکن شود. همچنین در روز قیامت گناهکارانی که نامه اعمالشان به دست چپشان داده می‌شود با آه و افسوس و پشیمانی فریاد برمی‌آورند: (يَا لَيْتَنِي لِمَ أُوتِ كِتَابِيَةَ) (الحاقه/۲۵) «ای کاش نامه مرا به من نمی‌دادند.» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰ ش، ۱: ۵۶۷)

آن مجرم گناهکار هنگامی که در روز قیامت تمام قبایح اعمال خود را برملا می‌بیند با حسرت و پشیمانی آه سوزان از دل برمی‌کشد و آرزو می‌کند: ای کاش نامه عملش به دستش داده نمی‌شد و از آن بی‌خبر بود و آرزوی از این جهت است که می‌بیند چه عذاب دردناکی برایش آماده شده است. (طوسی، بی تا، ۱۰: ۱۰۴) عبارت "يَا لَيْتَنِي لِمَ أُوتِ كِتَابِيَةَ" آرزو و تمنّای محالی است که از زبان گناهکاران در دنیای آخرت جاری می‌شود که ای کاش نامه اعمالم به دستم داده نمی‌شد. "یا لیتنی" در اینجا نیز به معنای پشیمانی و تحسر بر کردار خویش است و این حسرت و پشیمانی در نتیجه نافرمانی از

خداوند و جسارت بر انواع گناه‌ها است. ولی هیچ فایده‌ای ندارد. در دو آیه فوق نیز "لیت" پس از حرف ندا واقع شده و اسم آن ضمیر بارز "یاء" و خبر آن جمله‌ی فعلیه با فعل ماضی یا در معنای ماضی است لذا ساختار نحوی آن به شکل: یا+لیت+اسم لیت (ضمیر بارز)+جمله‌ی فعلیه با فعل ماضی است؛ که وجود ضمیر (یاء) به عنوان اسم "لیت" بر ذات متکلم توجه دارد و این نداء برآمده از نفس انسان به طرف نفس خویش است؛ زیرا او خودش را مورد ندا قرار می‌دهد و نفس خویش را سرزنش کرده و به شدت مورد عتاب قرار می‌دهد. آن انسان گناهکار در ادامه نیز با تأسف و حسرت بر گذشته خود آرزو می‌کند: (يَا لَيْتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ) (الحاقه/ ۲۷) آن انسان گناهکار هنگامی که پرونده اعمال خود را که سیاه است می‌بیند و می‌فهمد که حسابش چیست و چه عذاب دردناکی در انتظارش است، آهی حسرت‌بار و ناله‌ای شریبار دارد و آرزو می‌کند با گذشته‌اش به کلی قطع رابطه کند و گوید: ای کاش همان مرگ اول که ما آن را چشیدیم و از دنیا خارج شدیم به مرگ ابد و نابودی محض محکوم می‌شدیم و دیگر مبعوث نمی‌شدیم و به این ورطه عذاب همیشگی وارد نمی‌شدیم (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۹: ۴۰۰؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق، ۱۷: ۵۳) "هائ" در "لیتها" به "الموتة الأولى" مرگ نخستین بازمی‌گردد یعنی: ای کاش مرگ اول که ما را فرا گرفت و مردیم دیگر زنده نمی‌شدیم. این درحالی است که در دنیا چیزی ناخوشایندتر از مرگ در نظر او نبود ولی در قیامت آرزو می‌کند: ای کاش آن مرگ ادامه می‌یافت. (طبرسی، ۱۳۷۷ ش، ۲۵: ۲۷۸) عبارت "يَا لَيْتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ" آرزو و تمنای محالی است که در روز قیامت از زبان مجرمان و گناهکاران و غافلان در دنیا جاری می‌شود. آنان با مشاهده اعمال زشت و روسیاهی خود اظهار ندامت و پشیمانی کرده و آرزو می‌کنند که ای کاش با همان مرگ نخستین کار تمام می‌شد و پس از آن دیگر زنده نمی‌شدیم؛ و به خاطر همین شدت پشیمانی، حالتی که در آن واقع می‌شود را بسیار تلخ‌تر و بدتر از تلخی مرگ می‌بیند. لذا "لیت" در این آیه نیز افاده معنی ندامت و پشیمانی دارد اما دیگر کار از کار گذشته و این ندامت و پشیمانی فایده‌ای ندارد.

در آیه فوق تمنی صادر از نفس انسان به طرف غائبی است که متعلق به نفس انسان است (الموتة الأولى) یعنی تمنی در این آیه صادر از آن نفسی است که نامه اعمالش به دست چپش دادند پس آرزو می‌کند کاش مرگی که او را در بر گرفته بود تمام کننده کار او بود و او دیگر زنده نمی‌شد.

#### ۴-۶- آرزوی ظالمان

(وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا) (يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لِمَ اتَّخَذْتُ فُلَانًا حَلِيلًا) (فرقان/ ۲۷ و ۲۸) «روزی که شخص ظالم دست حسرت به دندان گرفته و گوید: ای کاش من (در دنیا) با رسول حق راهی (برای دوستی و اطاعت) پیش می‌گرفتم. وای بر من، ای کاش که فلان (مرد کافر و رفیق فاسق) را دوست نمی‌گرفتم» (الهی قمشه- ای، ۱۳۸۰ ش، ۱: ۳۶۲)

آیه درباره فردی است که در دنیا با حضرت رسول دشمنی کرده و در قیامت نادم و پشیمان می‌گوید: ای کاش حضرت رسول را به دوستی گرفته بودم و ای کاش فلان شخص را به دوستی نگرفته بودم؛ برای خردمندان و کسانی که در قرآن تدبیر می‌کنند نصیحت و عبرتی بس ارزشمند است که از دوستی با افراد ناباب پرهیز کنند تا به سرنوشت افسوس خوردن و ای کاش گفتن دچار نشوند. چرا که دوستی با رفیقان هرزه موجب تأسف و پشیمانی در روز قیامت می‌گردد. مراد از "یوم" در این آیه روز قیامت است. "یعض": دست به دندان گزیدن، پشیمان شدن، سر انگشتان به دندان گرفتن و

دندان‌ها به هم ساییدن است که همه کنایه از خشم و افسوس و ندامت است زیرا تمام این کارها از پیامدهای آن است؛ و حرف "ال" در "الظالم" ممکن است برای عهد باشد در این صورت مخصوص کسی است که در روایت آمده است (عقبه بن اُبی) و ممکن است برای جنس باشد که در این صورت تمام ستمکارانی را که در گمراهی از دوستانشان پیروی می‌کنند؛ در برمی‌گیرد. (طبرسی، ۱۳۷۷، ش، ۳: ۱۳۵) و عبارت "يَعْصُ الظَّالِمُ عَلٰی يَدِيْهِ" معمولاً در مورد کسانی به کار می‌رود که از شدت حسرت و تأسف ناراحت‌اند چنان‌که در ضرب‌المثل است که فلان کس انگشت حسرت به دندان می‌گزید؛ و آوردن کلمه "یدیه" به معنای هر دو دست، شدت تأسف و حسرت را به طرز گویاتری بیان می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ش، ۱۵: ۶۹) عبارت "يَا لَيْتَنِيْ اَتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُوْلِ سَبِيْلًا" در مقام تمنی امری محال است. زیرا فرد ظالم در روز قیامت آرزو می‌کند که ای کاش طریق محمد را در پیش می‌گرفت اما فرصت برای جبران مافات به پایان رسیده است و در روز قیامت هیچ راه بازگشتی وجود ندارد. بنابراین "لیتنی" در این آیه افاده معنی ندامت و پشیمانی را دارد. (کهندل و آبدانان، ۱۳۹۲: ۱۰۹)

عبارت "یا ویلتی" در آیه دوم دلالت بر این دارد که متکلم می‌داند که هیچ راه نجات و خلاصی از عذاب جز مرگ برای او باقی نمانده است و به همین جهت ندایش را با "ویل" ادا می‌کند و به دنبال آن "لیتنی" را برای دلسوزی بر خودش می‌آورد زیرا او می‌داند که اگر دوستی فلان شخص را رها می‌کرد نجات می‌یافت. التصاق حرف ندا به لفظ "ویلتی" تناسب و انسجام آوایی زیادی را در آیه به دنبال دارد. آلوسی می‌گوید: "ویلتی" کلمه آه و افسوس است و "الف" آن بدل از "یاء" متکلم است و علت اینکه "ویلتی" غیر عاقل مورد ندا واقع شده است قصد حضور آن بوده است یعنی: ای هلاکت من حالا وقت و زمان توست، پس حاضر شو. (آلوسی، ۱۴۱۵، ق، ۱۰: ۱۳) "لیتنی" در آیه دوم تمنا و آرزوی محالی است که شخص ظالم در روز قیامت آرزو می‌کند که ای کاش فلان شخص را به‌عنوان دوست نگرفته بودم، البته چنین امری دیگر محقق نمی‌شود چون زمان آن گذشته و در روز قیامت راه بازگشتی وجود ندارد. پس "لیت" در این آیه نیز افاده معنای ندامت و حسرت و پشیمانی دارد. لذا چنانچه آشکار است علت و منشأ گفتن "لیت" در این دو آیه همنشینی با دوست بد و گسستن از راه پیامبر است. از لطایف تعبیرات قرآنی یکی تعبیر در آیه "يَا لَيْتَنِيْ اَتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُوْلِ سَبِيْلًا" است و دیگر در آیه "يَا وَيْلَتِيْ لَيْتَنِيْ لَمْ اَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيْلًا" است که این تعبیر در ندا و استغاثه تدریجی به کاررفته است که در آیه‌ی اول منادا حذف شده و اشاره به این دارد که او نجات دهنده‌ای می‌خواهد که او را نجات دهد؛ هر که باشد و آوردن کلمه "ویل" در آیه بعد می‌فهماند که برای او روشن شده که دیگر کسی نیست که او را از عذاب نجات دهد و جز هلاکت و فنا دادرسی ندارد؛ و به همین جهت ندایش را با "ویل" ادا می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۱۵: ۲۰۴)

#### ۶-۵- آرزوی مؤمنان

(قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ) (یس/ ۲۶) «گفته شد: داخل بهشت شو، گفت: ای کاش ملت من هم (از این نعمت بزرگ) آگاه بودند.» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰، ش، ۱: ۴۴۱)

آیه در شأن حبیب بن نجار نازل شده است ایشان پس از آنکه ایمان خود را ظاهر نمود، جماعت کفار در مقام اعدام او برآمده و به قولی او را سنگسار کردند و به قولی پایمالش کردند تا هلاک شد. پس از شهادت به او گفته شد: داخل بهشت شو. وی هنگامی که داخل بهشت شد گفت: ای کاش قوم من غفران و رحمت خداوند را نسبت به من می‌دانستند

تا ایشان هم میل و رغبت پیدا کنند و ایمان بیاورند تا به این ثواب و آمرزش برسند. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۸: ۶۵۹؛ امین، ۱۳۶۱ ش، ۱۱: ۲۴)

عبارت «يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ» آرزوی مؤمن آل‌یاسین است و از جمله آرزوهای پس از مرگ است که مرد مؤمن پس از شهادت آرزو می‌کند: ای کاش قوم من می‌دانستند که پروردگار من، مرا آمرزیده است. مفسران علت آرزوی این مرد را تشویق قومش به ایمان و رسیدن به کرامت وی می‌دانند. (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ۴: ۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۷ ش، ۳: ۳۸۵) و برخی خیرخواهی و دلسوزی او برای قومش حتی پس از مرگ دانسته‌اند. (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ ق، ۴: ۴۰۴) "یا لیت" در این آیه اخروی است چراکه پس از شهادت حبیب بن نجار به او گفته شد: وارد بهشت برزخی شو و او گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند که غفران الهی شامل حال من شده است. البته این "یا لیت" ممدوح است چراکه از زبان مرد مؤمن و شجاعی جاری شده و به علت ایمان به خدا و دلسوزی نسبت به قومش بیان شده است. زیرا ایشان زمانی این جمله را گفته است که به اطمینان واقعی دست یازیده و به بهشت قدم نهاده است لذا در کمال آسودگی و آرامش خاطر آرزو نموده که ای کاش قومش از حال و روز او اطلاع می‌یافتند. هرچند این آرزو نیز، آرزویی محال و غیرممکن است. در این آیه تمنی از ذات و نفس انسان به طرف چیزی است که خارج از ذات است یعنی "لیت" در این آیه آرزویی است برای دیگری نه برای خود انسان چراکه اسم "لیت" اسم ظاهر "قوم" است که بدون فاصله بعد از "لیت" آمده است.



## ۷- نتیجه

نتایج حاصل از این پژوهش عبارت‌اند از:

۱- ساختار "لیت" در قرآن کریم اغلب به صورت یا+لیت+اسم لیت (ضمیر متصل منصوبی)+جمله فعلیه با فعل ماضی است که آمدن خبر "لیت" به صورت جمله فعلیه با فعل ماضی نشان‌دهنده این است که "لیت" اغلب در زمانی به کار می‌رود که کار از کار گذشته و فرصت پایان یافته است.

۲- ۱۰ مورد از "یا لیت" ای‌کاش‌هایی که در قرآن وجود دارد در سرای آخرت و پس از مرگ بیان شده است و آرزوهای پس از مرگ به صورت آرزوی پیش فرستادن نیکی، همراهی با پیامبر، دوری از دوست و همشین بد، بازگشت به دنیا و تکذیب نکردن آیات، آرزوی مرگ و دریافت نکردن نامه اعمال، آرزوی خاک بودن و پیروی از خدا و رسول او است و ۴ مورد از آن ای‌کاش‌های دنیوی است و به صورت آرزوی نصیحت‌پذیری و شریک قرار ندادن برای خدا، دست‌یابی به غنایم، آرزوی مردن و نبودن و داشتن ثروت بیان شده است.

۳- اغلب یا لیتی‌ها در قرآن افاده معنای تأسف و تحسّر و ندامت دارد و تلازم "لیت" همراه با "یا" ندا (در این آیات حرف تنبیه است) در تمامی این آیات دلالت معنایی بیشتری را بر حسرت و ندامت و استغاثه و ناله سر دادن آرزو کنندگان می‌رساند.

۴- سردادن این واژه "یا لیت" به‌طور عموم به کسانی تعلق دارد که از قوانین الهی سرباز زده‌اند و هوی و هوس و آرزوهای شخصی و غریزی خود را دنبال کرده‌اند و بیشتر دنبال حب دنیا و دنیاپرستی بوده‌اند به‌جز در دو آیه ۲۳ سوره مریم و آیه ۲۶ سوره یس

۵- اغلب مواردی که "یا لیت" در قرآن به کاررفته مذموم است به‌جز در آیه ۲۳ سوره مریم چراکه آن حضرت از شدت درد زایمان و زخم‌زبان و تهمت‌های آینده مردم لب به این سخن گشود و در آیه ۲۶ سوره یس چراکه از سر دلسوزی آن فرد به خاطر عدم پذیرش ایمان قومش بود.

۶- هرچند "لیت" در تمامی تفاسیر و ترجمه‌های قرآن به صورت (کاش و ای‌کاش) ترجمه شده است ولی شاید بتوان آن را به صورت (چه می‌شد، چه می‌شود) نیز ترجمه نمود.

۷- "لیت" در قرآن نیز همان‌طور که در کتاب‌های بلاغت بیان شده است بیشتر در مورد آرزوهای محال و غیرممکن به کاررفته است و در یک مورد یعنی آیه ۷۹ سوره قصص در مورد آرزوی ممکن ولی دور از انتظار بیان شده است.

## کتابنامه

- القرآن الکریم، ترجمه الهی قمشهای، مهدی (۱۳۹۰) قم، پیام مقدس
- ۱- الآلوسی، محمود، (۱۴۰۵ ق) **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه
- ۲- ابن مالک، (۱۴۱۰ ق) **شرح التسهیل**، هجر للطباعه و النشر و التوزیع
- ۳- ابن هشام، ابو محمد، (۱۴۱۰ ق) **مغنی اللیب**، الطبعة الثالثة، قم، مکتبه سیدالشهدا
- ۴- امین، سیده نصرت، (۱۳۶۱ ش) **مخزن العرفان فی تفسیر القرآن**، تهران، نهضت زنان مسلمان
- ۵- بروجرودی، سیدمحمدابراهیم، (۱۳۶۶ ش) **تفسیر جامع**، تهران، انتشارات صدر
- ۶- تفتازانی، سعیدالدین مسعود، (۱۴۰۷ ق) **کتاب المطول فی شرح تلخیص المفتاح**، قم، مکتبه آیه الله مرعشی
- ۷- ثقفی تهرانی، محمد، (۱۳۹۸ ق) **تفسیر روان جاوید**، چاپ سوم، تهران، انتشارات برهان
- ۸- حسن، عباس، (۲۰۰۷ م) **النحو الوافی**، بیروت، مکتبه المحمدی
- ۹- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، (۱۳۶۳ ش) **تفسیر اثناعشری**، تهران، انتشارات میقات.
- ۱۰- حسینی همدانی، سیدمحمدحسین، (۱۴۰۴ ق) **انوار درخشان**، تهران، کتابفروشی لطفی
- ۱۱- الدرریش، محیی الدین، (۱۴۱۵ ق) **اعراب القرآن و بیانہ**، الطبعة الرابعة، سوریه، دارالارشاد
- ۱۲- زرکشی، أبو عبدالله، (۱۳۷۶ ق) **البرهان فی علوم القرآن**، قاهره، داراحیاء الکتب العربیه
- ۱۳- الزمخشری، ابوالقاسم، (۱۴۰۷ ق) **الکشاف**، الطبعة الثالثة، بیروت، دارالکتب العربی
- ۱۴- سیوطی، (۱۴۱۶ ق) **الاتقان فی علوم القرآن**، لبنان، دارالفکر
- ۱۵- الطباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ ق) **المیزان فی تفسیر القرآن**، الطبعة الخامسة، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- ۱۶- الطبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷ ش) **جوامع الجامع**، تهران، منشورات دانشگاه تهران و حوزه علمیه قم
- ۱۷- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۲ ش) **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، الطبعة الثالثة، تهران، انتشارات ناصر خسرو
- ۱۸- الطوسی، محمدبن حسن، (دون تاریخ) **التبیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق: احمد قیصرعاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- ۱۹- فاضلی، محمد، (۱۳۷۶) **دراسة ونقد فی مسائل بلاغیه هامة**، دانشگاه فردوسی مشهد
- ۲۰- فولادوند، محمد مهدی، (۱۴۱۵ ق) **ترجمه قرآن**، تهران، دارالقران الکریم
- ۲۱- کاشانی، ملافتح الله، (۱۳۳۶ ش) **تفسیر منهج الصادقین**، تهران، کتابفروشی محمد حسن علی
- ۲۲- گنابادی، سلطان محمد، (۱۴۰۸ ق) **بیان السعادة**، الطبعة الثانية، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات
- ۲۳- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش) **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- ۲۴- نجفی خمینی، محمد جواد، (۱۳۹۸ ق) **تفسیر آسان**، تهران، انتشارات اسلامیه

## مجله

- ۱- کهندل، مرضیه و محمود آبدانان، (پاییز ۱۳۹۲)، "گذری بر معنی شناسی اسلوب تمنی در قرآن کریم"، **فصلنامه مطالعات قرآنی**، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۱۱۲-۱۰۰



## دراسة التركيب النحوی والبلاغی لكلمة "لیت" فی القرآن الکریم

### الملخص

"لیت" هو أحد الحروف المشبهة بالفعل الذي يدخل على الجملة الإسمية و ينصب الاسم ويرفع الخبر، يكون استخدامه الرئيسي والأكثر شيوعاً للتمنى. التمنى حلمٌ يستحيل تحقيقه أو غير متوقع، فإن معانى "لیت" هي لیت يا لیت. وردت كلمة "لیت" اربع عشرة مرة في القرآن الکریم، تهدف الدراسة الحالية بالمنهج الوصفي التحليلي إلى دراسة الآيات التي تحتوي على كلمة "لیت" من حيث تركيبها ومعناها البلاغی من وجهة نظر المفسرين والنحويين. ويفحص سبب التعبير عن "لیت" وأمنيات القرآن ومتحدثيه ووقت تعبيره. تظهر نتائج هذه الدراسة أنه في جميع الحالات الأربعة عشرة، يتم استخدام "لیت" بالمعنى الأصلي، أى التمنى (مستحيل أو بعيد عن التوقع). والغرض البلاغی منها في معظم الحالات هو التعبير عن الأسف والندم على شيء لقد انقضى زمنه. وسيروى معظمها في الآخرة ومن لغة الذين خالفوا الشرائع السماوية واتبعوا رغباتهم وتطلعاتهم الشخصية والفطرية. وغالباً يتم التعبير عنه من حيث التركيب على شكل: يا + لیت + ضميراً بارزاً للنصب + الجملة الفعلية مع الفعل الماضى

الكلمات الرئيسية: التمنى، التركيب النحوی، التركيب البلاغی، القرآن الکریم، لیت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### **Abstract**

Investigating the syntactic and rhetorical structure of "Lit" in the Holy Quran. "Lit" is one of the Letters similar to verbs inserted at the beginning of the noun phrase Its most common use is for wishes. Tamani is a wish that is impossible or far from expected, so the meanings of "lit" are Kash and Ey Kash. The word "lit" is used 14 times in the Holy Quran. The present study, with a descriptive-analytical method, aims to examine the verses containing "Lit" in terms of its structure and rhetorical meaning, according to The theory of commentators and grammarians. And to examine the reason for saying "Lit" and the Qur'anic wishes and narrators and the time of saying it.

The result of this research shows that in all 14 cases "lit" has been used in its original meaning, meaning Tamani (impossible or far from expected) and its rhetorical purpose in most cases is to express regret and regret for the work whose time has ended and most of them It also flows in the hereafter and from the mouths of those who have rejected the laws of God and followed their personal desires and instincts. And In terms of structure, it is often expressed in the form of ya + lit + relative pronoun + present sentence with past verb.

**Key words:** Tamanni, syntactic structure, rhetorical structure, Holy Quran, Lit

